پژوهشنامه کلام
شاپا برخط: ۰۶۶۷-۲۷۸۳ شاپا چاپی: ۵۳۲۵-۲۴۷۶
Homepage: pke.journals.miu.ac.ir

تبیین صعود معنوی انسان در قرآن کریم، از کلم طیب و عمل صالح تا حیات طیبه

فاطمه یوسفی پور، دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران fatemeh.yoosefi7664@iau.ac.ir .
https://orcid.org/0009-0006-1109-4243
محمد قاسمی، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) dr.qasemi92@iau.ac.ir
https://orcid.org/0009-0003-5172-0892
نفیسه نوید، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران n_navid@iau.ac.ir
https://orcid.org/0009-0000-1486-3163

- Fatemeh Yousofipour [1]
- Muhammad Qasemi [2]
- Nafiseh Navid [3]

[1] Ph.D. Student in Qur'anic Studies and Hadith, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
[2] Department of Quranic and Hadith Studies, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Iran.
[3] Department of Qur'an and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.

Pre-final, unedited, manuscript-proofreading version

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقالهٔ پژوهشی

تاریخ دریافت:
تاریخ بازنگری:
تاریخ پذیرش:
تاریخ انتشار:

چکیده

دستیابی به کمال و صعود در مدارج معنوی، همواره والاترین هدف و محور اصلی تکامل انسان در نظام هستی بوده است و قرآن کریم در این مسیر، نقشه‌راهی جامع برای تعالی روح بشری ارائه می‌دهد. در این میان، حیات طیبه در قرآن کریم، از مهم‌ترین جلوه‌های زندگی مطلوب انسان مؤمن و از ثمرات ایمان و عمل صالح در پرتو هدایت الهی است. پژوهش حاضر با هدف تبیین مسیر صعود معنوی انسان از «کَلِم طیب» و «عمل صالح» تا تحقق «حیات طیبه» انجام شده و می‌کوشد ارتباط این مفاهیم را در مجموعه‌ای از آیات مرتبط تحلیل و تبیین نماید. این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی، رویکرد قرآن‌محور و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که

قرآن کریم میان حقیقت ایمانی، عمل صالح و آثار وجودی آن ارتباطی معنادار برقرار می‌کند؛ چنان‌که در آیه ۱۰ سوره فاطر، «کَلِم طیب» با «عمل صالح» و مفاهیم «صعود» و «رفع» پیوند می‌یابد و در آیه ۹۷ سوره نحل، ایمان و عمل صالح زمینه تحقق «حیات طیبه» را فراهم می‌سازند. همچنین، آیات ۹ سوره یونس، ۹۶ سوره مریم و ۲۹ سوره رعد، ابعاد دیگری از آثار این پیوند را در قالب هدایت الهی، محبت و مودت و فرجام نیک مؤمنان نشان می‌دهند. برآیند تحلیل آیات بیانگر آن است که صعود معنوی در منطق قرآن، سیری هدفمند است که بر پایه حقیقت ایمانی و در پیوند با عمل صالح زمینه تحقق «حیات طیبه» را فراهم می‌سازند. همچنین، آیات سوره های (یونس/۹)، (مریم/۹۶) و (رعد/۲۹) ابعاد دیگری از آثار این پیوند را در قالب هدایت الهی، محبت و مودت و فرجام نیک مؤمنان نشان می‌دهند. برآیند تحلیل آیات بیانگر آن است که صعود معنوی در منطق قرآن، سیری هدفمند است که بر پایه حقیقت ایمانی و در پیوند با عمل صالح شکل می‌گیرد و در پرتو هدایت الهی، به ظهور آثار معنوی و اجتماعی و تحقق حیات طیبه منتهی می‌شود. از این منظر، حیات طیبه صرفاً به معنای برخورداری از زندگی مطلوب مادی نیست، بلکه کیفیتی متعالی از زیست انسانی است که ریشه در ایمان دارد، در عمل صالح ظهور می‌یابد و در پرتو هدایت و قرب الهی به کمال می‌رسد.

واژگان کلیدی: صعود معنوی، کَلِم طیب، عمل صالح، حیات طیبه

کلیدواژه‌ها: صعود معنوی، کَلِم طیب، عمل صالح، حیات طیبه

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (۱۴۰۴). عنوان مقاله. پژوهشنامه کلام، ۱۲ (۲۳)، ۲۰-۱. https://doi.org/.....

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه.

© نویسنده(گان).

Pre-final, unedited, and pre-proofreading version

مقدمه

انسان در نگاه قرآن کریم، موجودی برخوردار از ظرفیت‌های متعالی و دارای قابلیت حرکت از مراتب ابتدایی وجود به سوی کمال و قرب الهی است. این حرکت، فرایندی تدریجی و هدفمند است که در آن باورهای درونی انسان با رفتار و عمل او پیوند می‌یابد و زمینه شکل‌گیری نوعی حیات متفاوت از حیات طبیعی و مادی را فراهم می‌سازد. از این منظر، کمال انسان نه صرفاً در برخورداری از مواهب دنیوی، بلکه در کیفیت حیات و جهت‌گیری وجودی او در مسیر عبودیت و تقرب به خداوند معنا می‌یابد.

قرآن کریم برای تبیین این حقیقت، مفاهیمی همچون «کَلِم طیب»، «ایمان»، «عمل صالح» و «حیات طیبه» را در ارتباطی معنادار مطرح کرده است. در آیه ۱۰ سوره فاطر، از «کَلِم طیب» و «عمل صالح» سخن به میان آمده است: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ». این آیه، با تعبیر «صعود» و «رفعت»، از ارتباط میان حقیقت درونی و باور توحیدی انسان با عمل شایسته و حرکت او به سوی خداوند پرده برمی‌دارد. از سوی دیگر، در آیه ۹۷ سوره نحل، نتیجه پیوند ایمان و عمل صالح، برخورداری از «حیات طیبه» معرفی شده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً». بر این اساس، می‌توان میان این دو دسته از آیات پیوندی مفهومی برقرار کرد؛ بدین معنا که

در سوره فاطر، نسبت میان حقیقت ایمانی و عمل صالح در قالب مفاهیم «صعود» و «رفعت» بیان شده و در سوره نحل، ثمره ایمان و عمل صالح با تعبیر «حیات طیبه» تبیین گردیده است.

در کنار این آیات، قرآن کریم در موارد دیگری نیز پیوند ایمان و عمل صالح را با آثاری همچون هدایت، حسن مآب و محبت الهی بیان کرده است. بررسی این آیات، در کنار تحلیل مفاهیم «کَلِم طیب»، «عمل صالح»، «صعود» و «حیات طیبه»، می‌تواند به تبیین چگونگی حرکت انسان از اصلاح و تعالی درونی به سوی تحقق یک حیات مطلوب قرآنی کمک کند. از این منظر، «عمل صالح» صرفاً یک رفتار اخلاقی منفرد نیست، بلکه می‌تواند به عنوان حلقه پیوند میان حقیقت ایمانی و آثار وجودی آن در مسیر تعالی انسان مورد توجه قرار گیرد. همچنین، توجه به ظرفیت‌های ادبی و عرفانی مفاهیمی همچون «صعود» و «حیات»، امکان فهم عمیق‌تر ابعاد معنوی این حرکت و نسبت آن با تعالی وجودی انسان را فراهم می‌سازد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که حیات طیبه از ابعاد گوناگون مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. قاسمی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «حیات طیبه در قرآن و نهج‌البلاغه» به بررسی ابعاد حیات طیبه و پیوند آن با قناعت پرداخته است. خلیلی (۱۳۹۰) در مقاله «معنای زندگی از نگاه علامه طباطبایی» به تبیین معنای زندگی از منظر علامه طباطبایی، به‌ویژه در تقابل با نگاه تمدن غرب، توجه کرده است. (طالب‌زاده، میرزایی، ۱۳۹۰) نیز در مقاله «چگونگی گذر از خودشناسی به خداشناسی از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی» این فرایند را از منظر معرفتی و فلسفی بررسی کرده‌اند. (حاجی‌صادقی، بخشیان، ۱۳۹۳) در مقاله «مفهوم‌شناسی و حقیقت‌یابی حیات طیبه از منظر قرآن» بر مفهوم و حقیقت حیات طیبه تمرکز داشته‌اند. همچنین، جوادی آملی (۱۳۸۴) در کتاب «حیات حقیقی انسان در قرآن»، حیات حقیقی و حیات متألّهانه انسان را در پرتو وحی و عقل تبیین کرده و ماهیت و غایت حیات انسانی را مورد توجه قرار داده است. ماهروزاده (۱۴۰۳) نیز در کتاب «حیات طیبه»، با بهره‌گیری از آیات و روایات، ویژگی‌های عمل صالح و آثار فردی و اجتماعی آن را بررسی کرده است.

با وجود ارزش علمی این آثار، بررسی مجموع پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که هر یک عمدتاً بر یکی از ابعاد مفهومی، معرفتی، فلسفی، اخلاقی، فردی یا اجتماعی حیات طیبه تمرکز داشته‌اند. در این میان، پیوند میان «کَلِم طیب» و «عمل صالح» از یک سو و نسبت آن با «صعود معنوی» و «حیات طیبه» از سوی دیگر، کمتر به صورت یک فرایند پیوسته و ساختارمند مورد تحلیل قرار گرفته است. از این رو، خلأ پژوهشی را می‌توان در تبیین منسجم مسیری مشاهده کرد که در آن حقیقت ایمانی در قالب «کَلِم طیب»، از طریق «عمل صالح» به حرکت و تعالی می‌انجامد و در نهایت، زمینه تحقق «حیات طیبه» را فراهم می‌سازد.

پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با رویکرد قرآن‌محور انجام شده است. داده‌های پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده و با مراجعه به آیات قرآن کریم، منابع لغوی و تفسیری و آثار مرتبط اندیشمندان اسلامی تحلیل شده‌اند. در گام نخست، آیات مرتبط با مفاهیم «کَلِم طیب»، «عمل صالح»، «صعود» و «حیات طیبه» شناسایی و مفاهیم کلیدی از نظر لغوی و مفهومی بررسی شده‌اند؛ سپس

Pre-final, unedited and unproofreading version

دیدگاه مفسران و اندیشمندان اسلامی درباره نسبت میان این مفاهیم مورد تحلیل قرار گرفته است. در نهایت، با جمع‌بندی یافته‌ها، رابطه میان «کَلِم طیب»، «عمل صالح»، «صعود معنوی» و «حیات طیبه» تبیین و الگویی مفهومی از مسیر صعود معنوی انسان بر اساس آیات قرآن ارائه می‌شود.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل مسیر صعود معنوی انسان در قرآن کریم با تمرکز بر پیوند میان «کَلِم طیب»، «عمل صالح» و «حیات طیبه» است؛ به گونه‌ای که ضمن روشن شدن رابطه این مفاهیم، جایگاه «عمل صالح» به عنوان عنصر پیونددهنده میان حقیقت ایمانی و حیات مطلوب قرآنی آشکار گردد. پرسش اصلی پژوهش آن است که قرآن کریم چگونه مسیر صعود معنوی انسان را از «کَلِم طیب» و «عمل صالح» تا تحقق «حیات طیبه» تبیین می‌کند.

مفهوم شناسی

۱– مفهوم لغوی و اصطلاحی صعود معنوی

۱–۱– معنی لغوی صعود

واژه صعود از ریشه «صَعَدَ» (ص–ع–د) گرفته شده و در برابر «هبوط» و «نزول» قرار دارد.

الف) ابن فارس، اصل این ماده را چنین بیان می‌کند:

الصاد والعین والدال أصلٌ واحدٌ یدلُّ علی ارتفاعٍ ومشقَّةٍ.

«ریشه صاد، عین و دال بر یک اصل دلالت دارد و آن بالا رفتن و همراه بودن با سختی و مشقت است.» (ابن فارس، ۱۴۲۲ ق، ۳۱۲)

ب – راغب اصفهانی می‌نویسد:

الصعودُ: الذهابُ إلی المکان المرتفع، ویستعمل فی الأجسام والمعانی.

«صعود، رفتن به سوی جای بلند است و هم درباره امور مادی و هم درباره امور معنوی به کار می‌رود.» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش، ۴۸۳)

۱–۲– مفهوم اصطلاحی صعود معنوی

با استناد به منابع تفسیری ذیل آیه (فاطر /۱۰) و با تحلیل مفاهیم مربوط به تعالی روح، می‌توان صعود معنوی را چنین تعریف کرد:

صعود معنوی، فرایند ارتقای وجودی انسان از مراتب نازل نفس به مراتب عالی قرب الهی است؛ فرایندی که در پرتو ایمان، کلم طیب، عمل صالح، تقوا و تزکیه نفس تحقق می‌یابد. در منطق قرآن، صعود معنوی به معنای حرکت مکانی به سوی خدا نیست، بلکه کنایه از قبول، تقرب و تعالی روح انسان در پیشگاه الهی است.

۲– مفهوم لغوی و اصطلاحی کلم طیب

۱–۲– مفهوم لغوی

کلم جمع «کَلِمَةٌ» (به فتح کاف و کسر لام و فتح میم) از واژگان قرآن کریم است که در معانی مختلفی از جمله: لفظ و سخن، وعده، حضرت عیسی (علیه‌السّلام)، تقوا و توحید در قرآن استعمال است.

pre-final, unedited, and proofreading version

(راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش، ۷۲۲) «طیب» در لغت به چیزی اطلاق می شود که فی نفسه مطلوب و به دور از آلودگی ظاهری و باطنی باشد و نقطه مقابل آن، «خبث» است؛ یعنی چیزی که ظاهرا و باطنا آلوده، و فی نفسه مایه اکراه است (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش، ۱۵۱). در تعریف دیگری، طیب به چیزی که حواس و نفس از آن لذت ببرد اطلاق می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۲۷).

۲-۲- مفهوم اصطلاحی طیب

«طیب» در اصطلاح، هر چیزی که دارای نوعی نیکویی وخیر و خوش آیندی و فضیلت باشد. مراد از کلم طیب، عقاید حقی می‌شود که انسان اعتقاد به آن را زیر بنای اعمال خود قرار دهد، و قدر یقینی از چنین عقایدی کلمه توحید است، که برگشت سایر اعتقادات حق نیز به آن است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۲۸-۲۹)

۳- مفهوم لغوی و اصطلاحی عمل صالح

۳-۱- ابتدا معنای عمل را بررسی می کنیم: شرطونی از واژه شناسان برجسته معاصر معتقد است عمل به کاری اطلاق می شود که از روی عقل و فکر انجام شود پس لاجرم با عمل، آگاهی همراه است. اما فعل عامتر از آن است. (شرطونی۱۴۰۳ق، ۲۴۴)، راغب در مفردات در تعریف واژه عمل می گوید: عمل هر فعلی است که حیوان از قصد انجام می دهد و اخص از فعل است زیرا فعل بعضاً در مورد جمادات نیز به کار می رود. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش، ۳۵۱) با توجه به تعریف عمل واضح است که عمل صالح باید از روی قصد و علم انجام شود اکنون به معنی لغوی صالح می پردازیم:

۳-۲- مفهوم لغوی صالح

صالح از ریشه صلاح است راغب اصفهانی در معنای لغوی این واژه مینویسد صلاح ضد فساداست و این دو در بیشتر موارد در خصوص افعال به کار می رود در قرآن کریم گاه در مقابل فساد و گاه در مقابل «سیئه» به کار رفته است. (راغب اصفهانی، ۱۹۹۸م،۲۸۹) صاحب کتاب التحقیق فی کلمات القرآن در این باره می گوید: معنای ریشه ای و اصلی این واژه، سلامت از فساد و تباهی است. صلاح ضد فساد است. صلاح درباره ذات، رأی یا عمل به کار می رود؛ اما بیشتر در عمل کاربرد دارد. (مصطفوی،۱۳۶۰ش، ۳۰۷). اعمال صالح اعمالی هست که به واسطه مطابقت آن با شریعت محمدی موجب خشنودی خداوند متعال می شود (ابن کثیر، ۱۴۰۱ ق،۱۴۰).

بهترین متضاد معنایی عمل صالح در قرآن فسق است زیرا فسق همان گونه که راغب در مفردات بیان کرده به معنای خروج از اطاعت و اوامر الهی است و کسی که به احکام شریعت ملتزم نیست فاسق گفته می شود. (راغب اصفهانی،۱۳۷۴ش،۳۸۲)

۳-۳- مفهوم اصطلاحی عمل صالح

Pre-final, unedited, and non-proofread version

عمل صالح عملی است که در شرایط مختلف به صلاح بوده و نیکو باشد، به این معنا که هر کاری در سر جای خودش و در زمان و مکان آن انجام شود. عملی است که هیچ عیب و آفتی در آن نیست و از آثار نیک آن چیزی کاسته نشده است و شایستگی پذیرفته شدن را دارد. برخی از مصادیق عمل صالح عبارتند از: اطاعت از خدا، انفاق، ادای واجبات و ترک محرمات، کسب علم و دانش، عبادت و هر کاری که سبب پیشرفت جامعه شود. می گویند عمل صالح میوه درخت ایمان و زاییده آن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ۱۵۳)

عمل وقتی صالح است که همراه با قصد قربت باشد حتی کار ظاهراً خیر اگر برای خود نمایی باشد، صالح نیست. (امام خمینی، ۱۳۹۴ ش، ۱۸۲) عمل صالح سبب قرب معنوی شناخته شده است. درجات عالی بهشت به مؤمنانی وعده داده شده که عمل صالح انجام داده‌اند. قرآن تمام انسان‌ها به جز مؤمنانی که عمل صالح انجام می‌دهند را در خُسران (زیان) می‌بیند. (والعصر/۳). در متون دینی عمل صالح در کنار ایمان به خدا شرط سعادت انسان معرفی شده است در آن مومنانی را که عمل صالح انجام می دهند بهترین مخلوقات خدا توصیف کرده است.

۴- مفهوم لغوی و اصطلاحی حیات طیبه

۴-۱- مفهوم لغوی حیات

حیات اسم مصدر از ریشه حی و به معنای زندگانی و زنده شدن است که در مقابل آن مَوتو مَمات (مردن) به کار می رود. گفته راغب در مفردات «حیات» در معانی مختلفی به کار می رود حیات نباتی (زندگی گیاهان) حیات حسی (زندگی حیوانات) حیات عقلانی (زندگی انسان ها) و حیات به معنی برطرف شدن و غم و اندوه (حیات اخروی و جاودانی) و حیاتی که به عنوان یکی از اوصاف الهی ذکر می شود. در مقائیس اللغه برای حیات دو معنی اصلی ذکر می کند یکی حیات در مقابل مرگ و دیگری حیات نقطه مقابل وقاحت و بیشرمی است. بعضی معتقدند هر دو معنی به یک ریشه باز می گردد چرا که شخصی حیا و شرم دارد خود را از ضعف و ناتوانی نگه می دارد و به سوی خیر و پاکی حرکت می کند.

۴-۲- مفهوم لغوی طیب

طیبه یا طیب به معنای پاک و پاکیزه و آن چیزی است که انسان به طور طبیعی به آن تمایل دارد در مقابل خبیث و ناپاک که انسان از آن متنفر است. (ابن منظور،۱۴۱۴ ق، ۵۶۱). واژه «طیّب» به معنای نیکو شدن و دلچسب و طبع پسند شدن است. به گفته راغب، اصل طیّب آن است که حواسّ و نفس از آن لذّت می برد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش، ۵۲۷). در مقابل طیب، خبیث قرار دارد که انسان از آن متنفر است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۵۶۳) بنابراین، طیب به هر چیزی که پسندیده و به دور از آلودگی ظاهری و باطنی است و نفس بدان تمایل دارد، اطلاق می گردد. بر این اساس حیات طیبه در لغت به معنای زندگی پاکیزه و خالص از هر گونه آلودگی است.

۴-۳- معنی اصطلاحی حیات طیبه

pre-final, unedited and pre-proofreading version

«حیات» در اصطلاح، نیرویی است که موجب بروز حس و تحرک در موجود زنده می شود و موجودات با آن خود را از نقص به کمال می رسانند. «طیبه» در اصطلاح، هر چیزی که دارای نوعی نیکویی وخیر و خوش آیندی و فضیلت باشد. علامه طباطبایی در اصطلاح، حیات طیبه را چنین تعریف می کند: در جمله «... فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» حیات، به معنای جان بخشیدن به چیزی و افاضه حیات به آن است. پس لفظ این جمله باصراحت دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند، به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده زنده می کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می دهد مثال حیات خبیث او را مبدل به حیات طیبی می کند اصل حیات همان حیات عموم می باشد و صفتش را تغییر دهد؛ زیرا اگر مقصود این بود، کافی بود که بفرماید: «ما حیات او را طیب می کنیم»؛ ولی این طور نفرمود، بلکه فرمود: ما او را به حیاتی طیب زنده می سازیم. (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴ ش، جلد ۱۲، ص۴۹۴).

حیات طیبه حیاتی برخوردار از نورانیت و ایمان و احسان به خلق، تعامل با دیگران، حیاتی سرشار از معنویت همراه با قناعت و پرهیز از افراط و تفریط؛ حیاتی به دور از غفلت، سهو ونسیان و توجه به ابعاد مادی و معنوی در زندگی اسلامی که هدف آن رستگاری و فلاح و نجاح است.

تحلیل قرآنی مسیر صعود معنوی از کلم طیب تا حیات طیبه

در منظومه معارف قرآن کریم، ایمان و عمل صالح در حقیقت گسسته و مستقل از یکدیگر نیستند، بلکه در پیوندی عمیق مسیر تعالی و کمال انسان را شکل می‌دهند.

ایمان، جهت این حرکت را بنیان می‌نهد و عمل صالح، آن را به عرصه تحقق و کمال می‌رساند، از این رو آثار این تعامل را می‌توان در مجموعه‌ای از ثمرات معنوی از هدایت و محبوبیت تا حمایت طیبه و حسن ماب پی گرفت.

بر این اساس، بررسی مجموعه آیاتی که ایمان و عمل صالح را با چنین نتایجی پیوند داده‌اند می‌تواند ابعاد گسترده‌تر این مسیر قرآنی و جایگاه آن را در تعالی و صعود معنوی انسان آشکار سازد.

الف- در این میان، آیه ۱۰ سوره فاطر، با پیوند دادن «الْكَلِمُ الطَّيِّبُ» مایه صعود و «عمل صالح» وسیله رفعت آن، جایگاه محوری در تبیین این مسیر معنوی دارد:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...» (فاطر/۱۰) کسی که عزت می خواهد، پس [باید آن را از خدا بخواهد، زیرا] همه عزت ویژه خداست. حقایق پاک [چون عقاید و اندیشه های صحیح] به سوی او بالا می رود و عمل شایسته آن را بالا می برد.

آغاز آیه با «عزت» و پایان آن با «عمل صالح» است. قرآن کریم ابتدا غایت را بیان می کند و سپس راه رسیدن به آن را نشان می دهد. انسان براساس فطرت الهی، همواره خواهان عزت، کرامت و سربلندی است. از این رو قرآن از درونی ترین خواسته انسان آغاز می کند و اعلام می دارد که اگر کسی حقیقتاً طالب عزت است، باید بداند که سرچشمه همه عزت ها تنها خداوند است. «فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» پس از

Pre-print, unedited, and Persian reading version

تعیین مقصد، قرآن مسیر رسیدن به آن را بیان می کند. این مسیر با « الْکَلِمُ الطَّیِّبُ» آغاز می شود و با جمله « وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ یَرْفَعُهُ» پایان می پذیرد.

واژه «کَلِمُ» جمع «کَلِمه» است و در لغت به معنی لفظی است که بر معانی مختلفی از جمله لفظ و سخن، وعده، تقوا و توحید در قرآن به کار می رود. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش، ۷۱۲) واژه طیّب از ریشه «ط–ی–ب» به معنی پاکی، خلوص، دلچسبی و نقیض خبیث است. (طریحی، ۱۹۸۵ م، ۱۱۰)

بنابراین کَلِمُ طیب تنها سخن نیک نیست، بلکه حقیقتی است که از جان پاک انسان سرچشمه می گیرد و با فطرت الهی هماهنگ است.

فعل یَصعَدُ از ریشه «صعود» به معنای بالا رفتن تدریجی همراه با تحمل مراتب است. صعود، صرف انتقال از نقطه ای به نقطه دیگر نیست، بلکه حرکت از مرتبه ای پایین به مرتبه ای برتر را می رساند، از این رو کاربرد این ویژه در آیه نشان می دهد که ایمان و اعتقاد حق، دارای ظرفیت تعالی و تقرب به پیشگاه الهی است. در مقابل، فعل «یَرفَعُهُ» از ریشه «رفع» به معنای بالا بردن و ارتقاء دادن است. تفاوت لطیف میان «صعود» و «رفع» آن است که صعود، حرکت ذاتی شئی به سوی بالا را می رساند، اما رفع، بیانگر وجود عاملی است که این حرکت را کامل، تثبیت یا تقویت می کند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۵۶۱) کَلِمُ طیب می خواهد صعود کند اما عمل صالح آن نیرویی است که او را بالا می برد.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، با دقت در سیاق آیات « کَلِمُ الطیب» را بر ایمان، توحید و اعتقاد حق حمل می کند و معتقد است که این حقیقت، ذاتاً شایستگی صعود به سوی خدا را دارد، زیرا هر امر پاک و الهی، سنخیت با عالم قرب الهی دارد. ایشان تصریح می کند که عمل صالح، حقیقت ایمان را به مرحله ظهور و کمال می رساند و موجب قبول ارتقای آن نزد خداوند می شود، از این رو، ایمان و عمل صالح دو حقیقت گسسته نیستند، بلکه در ارتباطی وجودی، یکدیگر را تکمیل می کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۲۹–۲۶) علامه با بررسی اقوال مختلف درباره مرجع ضمیر «یَرفَعهُ» دیدگاهی را برمی گزیند که مطابق آن عمل صالح صرفاً نتیجه ایمان نیست، بلکه عامل تثبیت، رشد و فعلیت آن نیز به شمار می آید. از منظر بلاغت، تقدیم جار و مجرور «الیه» بر فعل «یَصعَدُ» افاده حصر می کند، یعنی مقصد نهایی همه مراتب ایمان و عمل، تنها خداوند است. تلازم ظریف میان «یَصعَدُ» و «یَرفَعهُ» تصویری پویا از حرکت تکاملی انسان ارائه می دهد، حرکتی که از ایمان آغاز می شود و به وسیله عمل صالح استحکام می یابد.

براساس تفسیر تسنیم، جمله «والعمل الصالح یَرفعه» بیانگر آن است که ایمان بدون عمل، ظرفیت صعود کامل ندارد. عمل صالح، ایمان را از مرحله ادعا به مرحله تحقق می رساند و زمینه قبول الهی را فراهم می سازد. از این رو عمل صالح صرفاً ثمره ایمان نیست بلکه عامل رشد و تعالی آن نیز به شمار می آید. در نتیجه صعود معنوی انسان در گرو پیوند ناگسستنی «کلم طیب» و «عمل صالح» است. پیوندی که ثمره آن، عزت الهی و در نهایت حیات طیبه خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۴۰۴ ش، ۶۲۰)

می توان گفت که آیه ۱۰ سوره فاطر، الگویی جامع از صعود معنوی انسان را بیان می نماید، بدین معنا که عزت الهی، بدون ایمان برخاسته از کلم طیب و بدون تجلی آن در عمل صالح دست یافتنی نیست. نتیجه طبیعی این سیر همان حیات طیبه ای است که قرآن در آیه ۹۷ سوره نحل وعده داده است.

Pre-final, unedited, and pre-proofreading version

ب- «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۹۷/نحل)

هرکس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آرد ما او را به زندگانی خوش و باسعادت زنده ابد می داریم و پاداششان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می داده اند، می دهیم. در این آیه، قرآن کریم پیوند ایمان و عمل صالح را با ثمره ای متمایز، یعنی حیات طیبه بیان می کند. ایمان به عنوان شرط همراه عمل صالح مطرح شده و نتیجه این همراهی، وعده «احیای» انسان به حیاتی پاکیزه و مطلوب است.

تعبیر «فَلَنُحْيِيَنَّهُ» نیز نشان می دهد که حیات طیبه صرفاً برخورداری از زندگی مادی یا رفاه ظاهری نیست، بلکه حیاتی است که با افاضه و هدایت الهی تحقق می یابد و کیفیتی برتر از حیات طبیعی انسان پیدا می کند. از سوی دیگر، تعبیر «حیاه طیّبه» در ساختار آیه، غایت نزدیک پیوند ایمان و عمل صالح را نشان می دهد، بدین معنا که ایمان، جهت و مبنای عمل صالح را فراهم می سازد و عمل صالح، زمینه تحقق آثار ایمان را در زندگی انسان فراهم می کند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید:

خدای تعالی مومنی را که عمل صالح انجام دهد به حیات جدیدی غیر از آن حیاتی که به دیگران نیز داده زنده می کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می دهد مثلاً حیات خبیث او را مبدل به حیات طیّبی می کند که اصل حیات همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد زیرا اگر مقصود این بود کافی بود که بفرماید: (ما حیات او را طیب می کنیم ولی اینطور نفرمود، بلکه فرمود: ما او را به حیاتی طیب زنده می سازیم.) و از این تعبیر استفاده می شود که مقصود از «حیات طیبه» زندگی تازه ای است که در حریم آن آلودگی راه ندارد و آثار حقیقی بر آن مترتب می شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۳۴۱)

در تفسیر مجمع البیان از حیات طیبه به عنوان روزی حلال، قناعت و خشنودی از قسمت الهی و بهشت و رزق روزانه و زندگی پاکیزه در عالم قبر نام برده شده است. (طبرسی، ۱۳۶۷ ش، ۴۸) از نظر فخر رازی، حیات طیب، حیات بهشتی است که مرگ ندارد و فقر و بیماری و هیچ شقاوتی دیگر در آن نیست. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۱۱۳)

در این نگاه، حیات طیبه آن است که انسان دلی آرام و روحی مومن داشته باشد مومن به نور خدا می بیند، مشمول دعا فرشتگان است، مشمول تاییدات الهی است اینگونه افراد خوف و خرفی ندارند. (قرائتی، ج۶، ص۴۵۱)

از نظر آیت الله جوادی آملی برای رسیدن به حیات طیبه دو شرط لازم است: یکی حسن فعلی و دیگری حسن فاعلی. اگر کسی ایمان داشته باشد یعنی معتقد و مومن به مبدأ و معاد باشد، از حیات طیبه برخوردار می شود، ایمان منشأ و اساس عمل است، زیرا ایمان مانند ریشه درخت تنومند اسلام و عمل صالح همچون ثمره و میوه آن است، بنابراین ایمان و عمل صالح لازم و ملزوم یکدیگرند و آنچه زمینه رسیدن به حیات طیبه را آماده می کند این دو امر است: جان پاک داشتن و عمل صالح انجام دادن. (جوادی آملی، ۱۳۸۲ ش، ۱۸۷)

Pre-final, unedited, and irresponding version

در این آیه، حیات طیبه، حمایت و زندگی جدیدی است که خداوند به انسان مومن عامل به عمل صالح عطا می کند. حیاتی که از حمایت طبیعی و حیوانی فراتر است که انسان را در مسیر کمال و قرب الهی قرار داده و آثار معنوی و ماندگار ویژه ای برای او همراه دارد.

ج- «إِنّ الّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنّاتِ النّعِيمِ» (یونس/۹)

این آیه، پیوند ایمان و عمل صالح را با محوریت «هدایت الهی» تبیین می کند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۹ سوره یونس بر ارتباط میان ایمان و هدایت الهی تاکید می کند و منظور از این هدایت، هدایت به سوی پروردگارشان است چون کلام درباره عاقبت امر کسی است که امیدوار لقاء الله است همچنان که خدای تعالی خودش فرموده: «وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ» (رعد/۲۷)

و مسلماً ایمان اگر آدمی را هدایت می کند، به اذن خدا به سوی خدا هدایت می کند. تنها عاملی که بنده خدا را به مقام قرب بالا می برد ایمان است و نقش اعمال صالح یاری ایمان و به نتیجه رساندن ایمان در بعد عمل است و در نعمت های بهشتی دخالت دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۱۸)

تعبیر «یهدیهم ربهم بایمانهم» از نظر معنوی بسیار لطیف است، زیرا «هدایت» در کنار ربوبیت آمده است. گویی انسان در مسیر ایمان و عمل صالح، تنها با نیروی خویش حرکت نمی کند، بلکه دست ربوبیت الهی او را در مسیر کمال هدایت می کند.

با توجه به این آیه ایمان و عمل صالح، انسان را در پرتو هدایت ربانی در مسیر تعالی و سعادت قرار می دهد. از این رو هدایت حلقه واسط میان ایمان و عمل صالح و تحقق آثار آن در زندگی دانست. حیات طیبه که در آیه ۹۷ سوره نحل به عنوان ثمره ایمان و عمل صالح مطرح شده است می تواند جلوه ای از همین زندگی هدایت شده و متعالی باشد.

د- «إِنّ الّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرّحْمَنُ وُدًّا» (مریم/۹۶)

«همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، به زودی خدای رحمان برای آنها محبتی (در دلها) قرار می دهد».

روایات متعددی در شأن نزول این آیه از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که نشان می دهد نخستین بار این آیه در مورد حضرت علی (ع) نازل گردیده است ولی نزول این آیه در مورد حضرت علی (ع) به عنوان یک نمونه اتم واکمل است و مانع از تعمیم مفهوم آن در مورد همه مومنان با سلسله مراتب، نخواهد بود. (طبرسی، ۱۳۶۷ ش، ۵۳۲)

ایمان و عمل صالح جاذبه و کشش فوق العاده ای دارد. اعتقاد به یگانگی خدا و دعوت پیامبران که بازتابش در روح و فکر و گفتار و کردار انسان به صورت اخلاق عالی انسانی، تقوا و پاکی و درستی و امانت و شجاعت و ایثار و گذشت تجلی کند، همچون نیروهای عظیم مغناطیس رباینده است.

Pre-final, unedited, and pre-proofreading version

کلمه وُدّ و مودّت به معنای محبت است و در این آیه شریفه وعده جمیلی از ناحیه خدای تعالی آمده که به زودی برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح می کنند مودتی در دلها قرار می دهد. دیگر مقید نکرده کدام دلها، آیا دلهای خودشان یا دلهای دیگران؟ آیا در دنیا و یا در آخرت و یا بهشت؟ و چون مقید نکرده وجهی ندارد که آن را مقید به بهشت کنیم و به قول بعضی دیگر مقید به قلوب همه مردم دنیا کنیم و یا مقید به قیودی دیگر بسازیم. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۱۵۵)

برای «وُدّ» معانی دیگری مانند محبوبیت و پذیرش در میان مردم و دوست داشتن مطرح شده است. بنابراین می توان گفت ایمان و عمل صالح تنها رابطه انسان با خدا را اصلاح نمی کند، بلکه آثار آن در رابطه انسان با دیگران نیز آشکار می شود.

براین اساس می توان گفت «وُدّ» یکی از جلوه های حیات طیبه در عرصه روابط انسانی است، مومن برخوردار از حیات طیبه، با ایمان درونی و عمل صالح، زمینه ساز محبت و الفت می شود و به لطف رحمت الهی، محبوبیت و پذیرش در میان بندگان صالح خداوند می یابد.

هـ- « الّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحَاتِ طُوبَی لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ» (رعد/۲۹)

«کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کرده اند، خوشا به حالشان و خوش سرانجامی دارند».

طوبی از ریشه « ط- ی- ب» و «طوب» را به معنای آجر دانسته است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۴۳۰) بعضی لغت شناسان طوبی را خیر (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۵۶۵) و طیب العیش (زندگانی نیک) و منتهای آرزو دانسته اند. (طریحی، ۱۹۸۵ م، ۱۱۰)

مأب از ریشه «أ و ب» به معنی محل بازگشت است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۴۱۷) و یا مصدر بازگشت است. (راغب اصفهانی،۱۴۱۷ق،۹۷) ترکیب «طُوبَی لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ» هم برخورداری از خیر و نیکویی را دربر دارد و هم فرجام و بازگشت نیک را.

در تفسیر المیزان، طوبی را اسم تفضیل از ریشه طیب و صفت برای موصوف محذوف معیشت و یا حیات معرفی شده است. عبارت طوبی لهم در اصل «لهم معیشه طوبی» است. علامه در توضیح این تفضیل می گوید:

پاکیزگی در هر زندگی به طور نسبی وجود دارد، اما در زندگی مومنان این پاکیزگی بیشتر است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۶۳۵)

این آیه دارای دو قسمت است: قسمت اول اینکه ایمان و عمل صالح باعث تامین سعادت است و اگر ایمان نبود یا ایمان بود و عمل صالح نبود انسان از سعادت محروم است و قسمت دوم جزای مومنین است که فرمود (طُوبَی لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ) برای آنها حیاتی است طیب و بازگشتنی است خوب. قرآن کریم انسان را یک مسافری می داند که همه این مسافران به اصل خودشان برمی گردند و مأب و مرجع همه این مسافران خدای سبحان است. (جوادی آملی، ۱۴۰۴ ش، ۶۲۰)

نتیجه‌گیری

Pre-final, unedited, and proofreading version

تأمل و تحلیل پیوسته آیات مورد بررسی نشان می‌دهد که نسبت میان «کلم طیب»، «ایمان»، «عمل صالح»، «حیات طیبه» و دیگر مفاهیم مرتبط، صرفاً هم‌نشینی چند مفهوم قرآنی نیست؛ «بلکه در ارتباطی پیوسته و معنادار، مسیر تعالی انسان مؤمن را از خاستگاه ایمان و عمل صالح تا تحقق حیات طیبه و فرجام نیک ترسیم می کنید.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان این فرایند را از خاستگاه تا غایت چنین بازسازی کرد: «کلم طیب و حقیقت ایمان» نقطه آغاز، «عمل صالح» عامل تحقق و حرکت، «هدایت الهی» جهت‌دهنده، «حیات طیبه» صورت تحقق‌یافته زندگی مؤمنانه، «وُدّ» جلوه اجتماعی و ارتباطی آن، و «طوبی و حسن مآب» افق فرجامی این حرکت است.

در این چارچوب، آیه ۱۰ سوره فاطر جایگاه آغازین این مسیر را روشن می‌سازد؛ آنجا که «کلم طیب» در پیوند با «عمل صالح» به سوی خدا صعود می‌کند. بنابراین، ایمان در منطق قرآن حقیقتی ایستا و صرفاً ذهنی نیست، بلکه هنگامی که در عمل صالح ظهور می‌یابد، ظرفیت صعود و تعالی انسان را فعلیت می‌بخشد. از این منظر، عمل صالح را می‌توان حلقه واسط میان حقیقت درونی ایمان و عمل آثار عینی و فرجامی آن دانست؛ حلقه‌ای که ایمان را از ساحت اعتقاد به عرصه تحقق و حرکت وارد می‌کند.

در ادامه این مسیر، آیه ۹۷ سوره نحل، حاصل این پیوند را «حیات طیبه» معرفی می‌کند. بر این اساس، حیات طیبه صرفاً پاداشی در آینده یا عنوانی برای یک زندگی مطلوب نیست، بلکه صورت تحقق‌یافته ایمانِ فعلیت‌یافته در عمل صالح است؛ حیاتی که کیفیت آن از سرچشمه ایمان و عمل صالح تأثیر می‌پذیرد و از آلودگی‌های ناسازگار با حقیقت عبودیت فاصله می‌گیرد. بدین ترتیب، یافته پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رابطه ایمان و عمل صالح با حیات طیبه را می‌توان رابطه‌ای از جنس مبدأ، فرایند و تحقق دانست: ایمان خاستگاه، عمل صالح فرایند تحقق و حیات طیبه ثمره و ظهور این حرکت است.

با این حال، این حرکت بدون جهت‌دهی الهی، صرفاً یک تلاش انسانی برای کمال نخواهد بود. آیه ۹ سوره یونس، ایمان و عمل صالح را با «هدایت» الهی پیوند می‌دهد و بدین‌سان، عنصر هدایت را به‌مثابه جهت‌دهنده مسیر تعالی آشکار می‌سازد. بنابراین، صعود معنوی در نگاه قرآن نه حرکتی خودبنیاد، بلکه حرکتی است که از ایمان آغاز می‌شود، با عمل صالح تحقق می‌یابد و در پرتو هدایت الهی جهت صحیح خود را پیدا می‌کند.

این فرایند در آیه ۹۶ سوره مریم از ساحت فردی فراتر رفته و در روابط انسانی نیز ظهور می‌یابد؛ زیرا ایمان و عمل صالح زمینه پیدایش «وُدّ» و محبت قرار می‌گیرد. ازاین‌رو، حیات طیبه را نمی‌توان به تجربه‌ای صرفاً درونی و فردی فروکاست؛ بلکه یکی از نشانه‌های تحقق آن، انتقال آثار ایمان و عمل صالح به عرصه روابط انسانی و اجتماعی است. در نهایت، آیه ۲۹ سوره رعد با تعبیر «طوبی» و «حسن مآب»، افق فرجامی این حرکت را ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که مسیر تعالی از ایمان و کلم طیب آغاز شده، در عمل صالح استمرار یافته، به حیات طیبه می‌انجامد و سرانجام به خیر و فرجام نیک منتهی می‌شود.

Pre-final version and proofreading version

بر این اساس، دستاورد اصلی پژوهش حاضر، صرفاً گردآوری آیاتی درباره ایمان، عمل صالح و حیات طیبه نیست؛ بلکه بازسازی پیوند درونی و جهت‌مند میان این مفاهیم و ارائه الگویی از «صعود معنوی» در منطق قرآن کریم است. حاصل این بازسازی را می‌توان در یک زنجیره مفهومی چنین خلاصه کرد: کلم طیب/ایمان ← عمل صالح ← هدایت الهی ← حیات طیبه ← وُدّ و آثار انسانی ـ اجتماعی ← طوبی و حسن مآب

این زنجیره نشان می‌دهد که حیات طیبه در ساختار مفهومی قرآن، یک مفهوم منفرد و گسسته از دیگر مفاهیم نیست؛ بلکه حلقه مرکزی و نقطه ظهور حرکت صعودی انسان مؤمن است که میان مبدأ اعتقادی و فرجام اخروی، نقش پیونددهنده دارد. بر این اساس، نوآوری تحلیلی پژوهش حاضر در آن است که با عبور از مطالعه جداگانه مفاهیم، رابطه فرایندی و طولی آنها را در قالب یک مسیر واحد از «حقیقت ایمان» تا «تحقق حیات طیبه» و سپس «فرجام نیک» تبیین می‌کند. در این الگو، تعالی انسان نه جهشی ناگهانی، بلکه حرکتی تدریجی، هدایت‌شده و ثمربخش است که از حقیقت درونی آغاز می‌شود، در عمل صالح عینیت می‌یابد، در حیات فردی و اجتماعی ظهور می‌کند و در نهایت به سعادت و حسن فرجام می‌انجامد.

Pre-final, unedited, and pre-proofreading version

فهرست منابع

قرآن کریم (ترجمه فولادوند)
۱- ابن فارس، ابوالحسن، ۱۴۲۲ ق، معجم المقاییس اللغه، لبنان، بیروت، دار احیا التراث العربی
۲- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، نشر دار صادر
۳- ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القران العظیم، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه
۴- امین اصفهانی، سیده نصرت بیگم، ۱۳۶۱ش، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن اصفهان، نهضت زنان مسلمان
۵- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸ش، تفسیر موضوعی قرآن کریم (فطرت در قرآن)، قم، اسراء
۶- جوادی آملی، عبدالله،۱۴۰۴ش، تفسیر تسنیم، قم، اسراء
۷- جوادی، آملی، عبدالله، ۱۳۸۲ش، تفسیر موضوعی قرآن (حیات حقیقی انسان)، قم، اسراء
۸- حاجی صادقی، عبدالله، بخشیان، ابوالقاسم، ۱۳۹۳ش، مفهوم شناسی و حقیقت یابی حیات طیبه از منظر قرآن، دو فصل نامه انسان پژوهی دینی، دوره ۱۱، شماره ۳۱، صفحه ۱۸۵- ۱۶۵
۹- خلیلی، مصطفی،۱۳۹۰ ش، معنای زندگی از نگاه علامه طباطبایی، حکمت اسراء، دوره۱۰، شماره ۲
۱۰- خمینی، روح الله، ۱۳۹۴ش، چهل حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۱۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دارالقلم.
۱۲- سالک تقوی، زینب، ۱۳۹۴ش، حیات طیبه در نهج‌البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب
۱۳- شرطونی، سعید بن عبدالله، ۱۳۷۴، اقرب الموارد، تهران، اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه
۱۴- طالب زاده، سید حمید، میرزایی، علیرضا،۱۳۹۰ ش، چگونگی گذر از خودشناسی به خداشناسی از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی، دوره ۸، شماره ۲۵، صفحه ۱۱۵-۸۹
۱۵- طباطبایی، محمد حسین،۱۳۷۴ش، تفسیر المیزان، تهران، انتشارات امیرکبیر
۱۶- طریحی، فخرالدین،۱۹۸۵ م، مجمع البحرین، بیروت، دار و مکتبه الهلال
۱۷- طبرسی، فضل بن حسن،۱۳۶۷ش، تفسیر مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو
۱۸- فخر رازی، محمد بن عمر،۱۴۲۰ق، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، داراحیا التراث العربی
۱۹- فراهیدی، خلیل بن احمد،۱۴۱۰ق، العین، قم، هجرت
۲۰- قاسمی، معصومه، ۱۳۸۸، حیات طیبه در قرآن و نهج‌البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور استان تهران
۲۱- ماهرو زاده، طاهره، ۱۴۰۳ش، حیات طیبه در پرتو ایمان و عمل صالح، تهران، مهاجر
۲۲- مکارم شیرازی، ناصر،۱۳۷۷ش، پیام قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲۳- مکارم شیرازی، ناصر،۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۲۴- مصطفوی، حسن،۱۳۶۰ش، التحقیق فی کلمات القران، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی

Pre-final, unedited, and Pre-proofreading version